

سیرجان شهر خلا فرهنگ!

حسام الدین اسلاملو

برایم خیلی جالب است که شهرهای کوچک تر و کم جمعیت تر از سیرجان در داشتن امکانات فرهنگی و تفریحی از سیرجان با این همه ثروت، مجهزتر است! یعنی هیچ نسبتی میان ثروت و اقتصاد پویای سیرجان با امکانات فرهنگی و برنامه‌های فرهنگی و هنری‌اش نیست!

جدای از اینکه خود ارگان‌هایی مثل شهرداری‌ها و معادن و ادارات و... حتا روی زمینه‌های فرهنگی‌ئی که در حیطه‌شان بوده کمتر کاری برای ارتقا فرهنگ شهرنشینی در سیرجان نکرده‌اند، مشاهده می‌شود که خود متولیان مستقیم فرهنگ و هنر در این شهر از قبیل اداره ارشاد و میراث فرهنگی و گردشگری و موسسات ثروتمند فرهنگی و هنری مصداق آفتابه و لگن هفت دستی شده‌اند که شام و نهارشان هیچی‌ست و تولید محتوای فرهنگی و هنری بسیار کمی به عنوان خوراک برای مردم این شهر در اوقات فراغت دارند!

سوسوی نوری هم اگر هست با کار تعاونی‌وار چندتا از بچه‌های بی‌ادعا در حوزه‌های تئاتر و ... است و ربطی به مسئولان شهر و بودجه‌های فرهنگی‌ئی که می‌گیرند ندارد. تازه مسوولان متولی فرهنگ اگر بتوانند یک چوبی هم لای چرخ این گروه‌های مستقل

می‌کنند!

اخبار این شهر را که دنبال می‌کنم و حرف‌ها و شعارهای مسوولان را در حیطه‌ی فرهنگ که می‌شنوم، با خودم می‌گویم مردم سیرجان خیلی نجیب‌اند که این همه سال انفعال را جلوی چشم‌شان می‌بینم و باز با شعار خشک و خالی قانع می‌شوند و صبوری پیشه می‌کنند و برای‌شان مهم نیست که در این شهر درندشت با این همه دم و دستگاه چرا نباید خودشان و خانواده‌هایشان تفریح فرهنگی و هنری با کیفیتی برای سرگرمی محض هم که شده داشته باشند.

مسئولان و تصمیم گیران فرهنگی، سیرجان در ابتداییات فرهنگ افول کرده و چه بسا کارهای شکل فرهنگی مس بهتر است اولویت سوم و چهارم موسسه‌ها پولدار فرهنگی باشد.

در شهری زندگی می‌کنیم که سرگرمی جوانانش شده مدام قلیان‌خانه رفتن و انکار اداره بهداشت نسبت به اصل وجود چنین پدیده‌ای!

در شهری زندگی می‌کنیم که سرگرمی جوانانش شده رانندگی شبانه در حال مستی و دور دور و تیکاف در چهارراه‌ها و آخر سر هم تصادف یا دعوا با سلاح سرد.

ولی هیچ کدام از این چیزها دغدغه‌ی مسئولان شهر ما نیست و تنها ایستاده‌اند ببینند که کدام تئاتر یا کنسرت و نمایشگاه آثار هنری برگزار

می‌شود مانعی بتراشند و از حاصل این توسعه‌ی تک‌جانبه‌ی صنعتی-معدنی، عقب ماندگی فرهنگی‌مان را عمیق‌تر تر کنند.

آسیب‌شناسی دشواری نمی‌خواست دیدن سلیقه‌ی مبتذل مردم سیرجان در دنبال کردن مداوم خبرهای برخورد چند خودرو به هم و تعداد کشته و زخمی‌اش بدون اینکه کوچکترین تاثیر مثبتی روی فرهنگ رانندگی‌شان داشته باشد!

چشم بصیرت خاصی نمی‌خواست دیدن مشکلات فروپاشی خانواده، رکود در حوزه‌ی فرهنگ شهرنشینی و رعایت ابتداییات آن که در رد شدن از چراغ قرمز و دفع زباله هویداست و از سوی دیگر دیدن بزه‌های اول سیرجان از قبیل اعتیاد و اشغال بوستان‌های شهر توسط معتادان متجاهر و نزاع با سلاح سرد و دور دور شبانه هنگام مستی و گزی رفتن و باقی ماجراها...

نگذارید چراغ‌موشوی فرهنگ در سیرجان همچنان از بی‌روغنی، فتیله‌اش خشک بسوزد اگر دست و بال هنرمند بومی را -که رعایت عرف جامعه را می‌کند- ببندیم، جامعه منتظر باز شدن ذهن مسئولان در آینده‌ای نامعلوم نمی‌ماند و خوراک فرهنگی‌اش را از تولیدات آن سوی آبی می‌گیرد که از نظر رعایت شئونات مد نظر مسئولان ما در آن نه از تاک چیزی هست و نه از تاک‌نشان.